

سوالات امتحان درس نگارش (۲)	رشته: کلیه رشته ها	ساعت شروع: ۸	مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه
پایه یازدهم دوره متوسطه دوم - نیم سال اول سال تحصیلی ۹۶-۹۷	تاریخ امتحان: ۳ تعداد سوالات: ۵	۹۶/۱۰/۴	تعداد صفحات: ۳
نام: نام خانوادگی: نام دیر:	اداره آموزش پرورش سمنان - دیرستان نمونه دولتی عفاف	رشته:	نام دیر:

ردیف	سوالات صفحه ۱	بارم
الف	<p>بازشناسی (۲۳مره) :</p> <p>۱- متن زیر را بخوانید ، سپس موارد خواسته شده را در آن مشخص کنید.</p> <p>برف می بارید و همه جا رایکدست سفید پوش کرده بود. هوا آنقدر سرد بود که برای یک لحظه هم نمی شد بیرون چادر ماند. پدر با چهره ای گرفته و ناراحت گوشه ای چادر نشسته بود و با رادیوی جیبی کوچکش کلنجر می رفت . شیارهای موازی که به تازگی روی پیشانی اش جا خوش کرده بودند و موهای سفید کنار شقیقه اش که یک شبه او را شیشه پدر بزرگ کرده بود نشان از درد پنهانی داشت که این یک ماه به تنها بی بردوش کشیده بود.</p> <p>مادر سیب زمینی های پخته را پوست می گرفت . برادر کوچکم پتو را دور خودش پیچیده بود و با مداد سیاه روی یک تکه کاغذ نقاشی می کشید.</p> <p>یک دفعه صدای رادیو بلند شد همه ای نگاه ها متوجه پدر شد. موسیقی شادی فضا را پر کرد و به دنبال آن مجری با صدایی پر از شور و هیجان گفت: «هموطنای عزیزم، جمعتون گرم و صمیمی، عمرتون به بلندی یلدا، دلتون به سرخی دانه های انار و خنده هاتون به شیرینی هندوانه های شب یلدا» و دوباره موسیقی شاد. حرف هایش برای ما هیچ مفهومی نداشت ، جز این که داغمان را تازه می کرد.</p> <p>برادرم گفت : «مادر جان من انار میخوام ، هندوانه هم » و شروع کرد به گریه.</p> <p>رنگ از چهره پدر پرید ، رادیو را خاموش کرد و گوشه ای انداخت. مادر صورتش را برگرداند ، دیدم که با گوشة روسی اش اشکهایش را پاک کرد. کنار برادرم نشستم ، گفتم : « یا یلدای سال بعد را نقاشی کنیم ». گفت: «نمیخوام ، انار میخوام ». تکه کاغذ را برداشم ، یک خانه کشیدم ، یک اتاق و یک کرسی که رویش پر بود از انار و هندوانه و ... اما اطرافش خالی بود ، نه پدر بزرگ بود ، نه مادر بزرگ و نه ... همه رفته بودند، زیر آوار و ما تنها .</p> <p>پدر به سختی از جا بلند شد، چقدر شکسته شده بود ، با اینکه هنوز چهل سالش نشده بود ، امامت شصت ساله ها به نظر می رسید. پتو را روی دوشش انداخت. مادر با صدایی بعض آلد گفت : « کجا می روی مرد؟» پدر آرام گفت : «می روم برف ها را از روی چادر بتکانم ، سرد است ، تاصبح یخ می زند ، از رادیو شنیدم امشب هوای سرپل ذهاب چند درجه سردتر می شود».اما من می دانستم می رفت تا غم هایش را بیرون چادر بتکاند ، دور از چشم ما ، در شبی که طولانی ترین شب سال بود</p> <p>زمان:..... مکان:..... فضا (حال و هوا) :</p> <p>ویژگی های ظاهری و رفتاری شخصیت پدر :</p>	
ب		۱

سازه های نوشتار (۴ نمره)

*حکایت نگاری :

۲- حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.

یکی از ملوک بی انصاف پارسایی را پرسید: از عبادت ها کدام فاضل تر است؟ گفت: تو را خواب نیم روز تا در آن یک نفس خلق را نیازاری.

ظالمی را خفته دیدم نیم روز
گفتم: این خفته ست خوابش برده به

و آنکه خوابش بهتر از بیداری است آن چنان بد زندگانی مردہ به

*مثل نویسی :

۳- یکی از مثل های زیر را انتخاب کنید و آن را در یک بند گسترش دهید.

- از کوزه همان برون تراود که در اوست.

- بار کج به منزل نمی رسد.

ردیف	سوالات صفحه ۲	بارم
۱	آفرینش (۱۱ نمره)	
۲	<p>- ۴- یکی از موضوعات زیر را انتخاب کنید و با استفاده از شگردهایی که آموخته اید و بارعايت اصول خوش آغازی، پروشن موضوع، خوش فرجامی و هنجارهای نگارشی، متنی بنویسید..</p> <p>- یکی از آشنایان و نزدیکان خود را (با توجه به ویزگی های ظاهری و رفتاری) توصیف کنید.</p> <p>- یکی از مراسم محلی شهر خود را (با برجسته کردن زمان و مکان) توصیف کنید.</p> <p>- به یاد ماندنی ترین رویداد زندگی تان را (با برجسته کردن زمان و مکان) شرح دهید.</p>	
۳		
۴		
۵		
۶		
۷		
۸		
۹		
۱۰		
۱۱		
۱۲		
۱۳		
۱۴		
۱۵		
۱۶		
۱۷		
۱۸		
۱۹		
۲۰		
۲۱		
۲۲		
۲۳		
۲۴		
۲۵		
۲۶		
۲۷		
۲۸		
۲۹		
۳۰		
۳۱		
۳۲		
۳۳		
۳۴		
۳۵		
۳۶		
۳۷		
۳۸		
۳۹		
۴۰		
۴۱		
۴۲		
۴۳		
۴۴		
۴۵		
۴۶		
۴۷		
۴۸		
۴۹		
۵۰		
۵۱		
۵۲		
۵۳		
۵۴		
۵۵		
۵۶		
۵۷		
۵۸		
۵۹		
۶۰		
۶۱		
۶۲		
۶۳		
۶۴		
۶۵		
۶۶		
۶۷		
۶۸		
۶۹		
۷۰		
۷۱		
۷۲		
۷۳		
۷۴		
۷۵		
۷۶		
۷۷		
۷۸		
۷۹		
۸۰		
۸۱		
۸۲		
۸۳		
۸۴		
۸۵		
۸۶		
۸۷		
۸۸		
۸۹		
۹۰		
۹۱		
۹۲		
۹۳		
۹۴		
۹۵		
۹۶		
۹۷		
۹۸		
۹۹		
۱۰۰		